

پیرامون عملیات تروریستی اخیر در دادستانی انقلاب مرکز و پادگان سپاه پاسداران

راه توده

فوق العاده

دوره دوم ۱۳ خرداد ۱۳۷۷

ترور، انفجار و حمله نظامی کار همانهایی است، که خیال پورش به جنبش انقلابی مردم را در سر دارند!

* با صحنه سازی حمله به پادگان سپاه پاسداران، می خواهند بدنه سپاه را ترسانده و آن را با فرماندهان تاجر پیشه سپاه، علیه جنبش انقلابی مردم همگام کنند!

* پرونده ترورها، انفجارها و مرگ های مشکوک در جمهوری اسلامی را باید گشود و دست طرشدگان انتخابات اخیر ریاست جمهوری را در پشت این حوادث افشاء کرد!

* حوادث انفجاری اخیر در تهران، همان صحنه سازی انفجار درحرم امام رضا و ظرف های زباله در خیابان مولوی تهران را به خاطر می آورد که چهار سال پیش، به کارگردانی "اسدا لله لاجوردی" عضو رهبری موقوفه اسلامی به اجرا گذاشته شد و کارگزارانش نیز، چند زن توابع مجاهدین خلق بودند!

✱ اکثریت قاطع مردم ایران، هر نوع تشنج آفرینی و حادثه جوئی را محکوم می کنند و حوادثی از نوع انفجار و ترور را، اعمالی علیه جنبش انقلابی دهها میلیونی مردم ایران می شناسند.

انفجار بمب در ساختمان دادستانی انقلاب مرکز و بخش اخبار رسمی و حکومتی درباره حمله مسلحانه به یکی از مراکز و پادگان های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تهران، اذهان عمومی را متوجه گسترش ابعاد توطئه ها علیه دولت "محمد خاتمی" و در اساس، علیه تحولات مثبت در ایران کرده است. برخی خبرگزاری ها، با استناد به بیانیه های سازمان مجاهدین خلق، این عملیات تروریستی را منتسب به این سازمان اعلام داشته اند. از نظر تمام میهن دوستانی که تحولات و حوادث دوران پیش و پس از انتخابات ریاست جمهوری را دنبال می کنند، حوادث تروریستی روزهای اخیر، ادامه سلسله توطئه هائی است، که ارتجاعی ترین و غارتگرترین بخش حکومتی، پس از شکست سنگین در انتخابات ریاست جمهوری، بمنظور مقابله با تحولات مثبت در ایران، به اجرا گذاشته و پیگیری کرده است. چنانچه رهبری سازمان مجاهدین خلق صریحا نقش خود را در این حوادث اعلام دارد، در حقیقت در کنار توطئه گران و طرشدگان انتخابات، به همسوئی و همگامی خود با این طیف رسما اعتراف کرده است!

این در حالی است، که در یکسال گذشته، مطبوعات کشور، که متأثر از جنبش عمومی مردم ایران به آزادیهای محدودی دست یافته اند، بارها به اشاره تصریح کرده اند، که در بزرگترین رویدادهای تروریستی در جمهوری اسلامی، که بنام سازمان مجاهدین خلق ثبت شده است، شبکه مافیائی "حجتیه" و ارتجاع مذهبی، در کنار عوامل آشکار و پنهان امپریالیسم جهانی دست داشته اند. حوادثی نظیر انفجار حزب جمهوری اسلامی، انفجار نخست وزیری، ترور روحانیونی نظیر آیت الله مطهری، آیت الله مدنی، آیت الله قدوسی و دهها ترور و انفجار دیگر.

همگی این رویدادها، در مجموع خود، در جمهوری اسلامی، زمینه را برای به قدرت دست یافتن رهبران "موتلفه اسلامی"، چهره های شناخته شده "حجتیه" و روحانیون وابسته به "بازار" و "ارتجاع مذهبی" آماده ساخت!

انفجار و عملیات تروریستی اخیر، در حالی روی داده است، که فرمانده سپاه پاسداران، در دومین سخنرانی تهدید آمیز خود، همچنان خواهان برچیدن آزادیهای محدود کنونی مطبوعات شده است و آیت الله های توطئه گری نظیر "خزعلی" در کانون و "ستاد توطئه" علیه تحولات مثبت، بر ضرورت پورش به دولت خاتمی، استیضاح و برکناری وزرای دولت وی و برکناری "خاتمی" در مرحله نهائی پای می فشارند.

"ستاد توطئه" علیه دولت خاتمی، که خیال بازگرداندن آب رفته به جوی را دارد، با تمام توان خود جهت ایجاد تشنج و آشوب در جامعه می کوشد، تا سپس به بهانه بازگرداندن آرامش به جامعه، نیروهای نظامی وابسته به خود را وارد میدان کند. انفجارها و عملیات تروریستی اخیر، بدون لحظه ای تردید و تزلزل، در همین جهت صورت گرفته است. حتی اگر وابستگان ادعائی سازمان مجاهدین خلق نیز در حوادث اخیر دست داشته باشند، آنچه انجام شده، جز در همین راستا و در خدمت به همین هدف نبوده است!

مردم ایران، حوادث و رویدادهای مشابه بسیاری را، بخاطر دارند. انفجار در حرم امام رضا، در مشهد و انفجار در مراکز جمع آوری زباله در خیابان مولوی تهران، که چهار سال پیش توسط اسدالله لاجوردی (سرپرست زندانهای ایران و عضو رهبری مؤتلفه اسلامی) سازماندهی و به نمایش درآمد، با اهدافی مشابه اهداف کنونی صورت گرفت. صحنه گردانی لاجوردی در آن ماجرا و سپس مصاحبه های چند نوبت زن مجاهدین خلق، که هرگز سرانجام محاکمه و پاداش این بازیگرشان افشاء نشد، همچنان در خاطره ها زنده است. چرا نباید همان دست و همان عاملین اجرایی، بار دیگر و با اهدافی مشابه، حوادثی را با هدف یورش به جنبش انقلابی و آزادخواهی مردم ایران سازمان داده باشند!

شکست خوردگان انتخابات ریاست جمهوری و طرد شدگان این انتخابات، با ایجاد انفجار در دادستانی انقلاب، می خواهند این دادگاه را، برای دوران یورش، آماده صدور احکام اعدام کنند. آنها با سازمان دادن حمله به پادگان سپاه پاسداران مرکز، می خواهند به بدنه سپاه، که در برابر فرماندهان خویش قرار دارند، اینگونه تلقین کنند، که سرانجام آنها به سرانجام فرماندهانشان گره خورده است و به همین دلیل نیز باید امروز درکنار فرمانده سپاه پاسدارانی قرار بگیرند که می خواهد زبان آزادخواهان را ببرند و کردن تحول طلبان را بزنند!

مردم ایران، این نشانه ها و این اهداف آشکارتر از روز را درک می کنند و عاملین حوادث اخیر را، همان پیراهن سیاهانی می شناسند که در دسته های ۴۰-۵۰ نفره و تحت فرمان "ستاد توطئه علیه دولت خاتمی" به مجامع، میتینگ ها و سخنرانی ها حمله می کنند. همانها، که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، در شهرک غرب تهران، فیلم ویدئویی علیه محمد خاتمی ساختند و در صدها هزار نسخه در سراسر ایران توزیع کردند. سازماندهندگان حوادث اخیر، همانهایی هستند که در قم، تظاهرات نفرت انگیز علیه آیت الله منتظری را به صحنه آوردند و او را در خانه اش زندانی کردند. دست های پشت صحنه عملیات اخیر تروریستی و جمله به پادگان سپاه پاسداران، همان دستهایی است، که در هفته های اخیر در شهرهای قم، مشهد، اصفهان و تهران، به بهانه "سوت" و "دست زدن" جوانان در مراسم دوم خرداد، به تحریک احساسات مذهبی دست زده اند. همان دستهایی که از هر حادثه ای، بهانه ای برای تشنج آفرینی می سازند و در آنجا که حادثه روی نمی دهد، خود حادثه ای نظیر حوادث تروریستی اخیر را می آفرینند.

پرونده قطور ترور و انفجار در جمهوری اسلامی باید افشاء شود و اطلاعاتی که پیرامون ترورها و انفجارها وجود دارد باید در اختیار مطبوعات قرار گیرد تا مردم بدانند، از همان ابتدای پیروزی انقلاب و از همان اولین ترور (آیت الله مطهری) تا مرگ مشکوک و سوال برانگیز "احمد خمینی" کدام دست ها در این رویدادها نقش داشته و این حوادث در جهت اهداف کدام طیف حکومتی روی داد!

امروز، در ایران، همه از تشنج و حادثه جوانی روگردانند و متنفرند، مگر طیف طرد شده انتخابات ریاست جمهوری. حوادث تروریستی اخیر، با هدف تشنج آفرینی، بازگشت "لاجوردی" به زندان اوین، ابقای سرتیپ "نقدی" سرکنجه گر حفاظت اطلاعات نیروهای انتظامی، بکه تازی حجت الاسلام "رازمینی" دادستان مرکز، باقی ماندن آیت الله یزدی در مقام رئیس قوه قضائیه، همسوئی برخی واحدهای سپاه با فرماندهان تاجر پیشه این سپاه و... صورت گرفته است و اکثریت قاطع مردم ایران آن را محکوم می کنند! جنبش کنونی مردم ایران، جنبشی است قانونی و آنها که نمی خواهند تسلیم خواست و رای مردم شوند، متوسل به هر عمل غیر قانونی شده و می شوند.

برای روشن شدن ماهیت رویدادهای تروریستی اخیر، ساده ترین و صریح ترین پیشنهاد آنست که یک هیات ویژه از سوی دفتر ریاست جمهوری مأمور رسیدگی به پرونده حمله نظامی اخیر به پادگان سپاه پاسداران و انفجار در دادستانی انقلاب شود و نتیجه را برخلاف پرونده رسیدگی به شکنجه شهرداران تهران، نه در اختیار قوه قضائیه، بلکه در اختیار افکار عمومی قرار دهد. حاصل این تحقیق و بررسی همان نتایجی را همراه خواهد داشت، که در این اعلامیه، بعنوان نظر حزب توده ایران پیرامون حوادث تروریستی اخیر اعلام شده است!

چشم و گوش ها باز شده است!

در هفته های اخیر، اظهار نظرهایی صریح پیرامون نقش "حجتیه" در حوادث اخیر ایران، در مطبوعات مطرح شده است. این اظهار نظرهای صریح، در نماز جمله اخیر شهر اصفهان، به شعار مردم تبدیل شد! نکته قابل توجه آنست، که اصفهان، از زمان رژیم شاهنشاهی تا کنون، یکی از مراکز نفوذ بسیار جدی "حجتیه" محسوب می شود. "علی اکبر پرورش" از سرکردگان "حجتیه"، که اکنون قائم مقام "مؤتلفه اسلامی" است، برای چند دوره از اصفهان به مجلس اسلامی راه یافت. او در حوادث اخیر اصفهان، ادامه توطئه علیه آیت الله منتظری، آیت الله طاهری، بهم زدن نماز جمعه اصفهان و براه انداختن و سازماندهی جماعتداران نقش اصلی را دارد. پیرامون افشاگرهای جدید علیه "حجتیه" دوخبر زیر را که در روزنامه سلام منتشر شده می آوریم:

مرگ بر "حجتیه"! - روز اول خرداد، نماز جمعه اصفهان به امامت آیت الله طاهری برگزار شد. یک هفته پیش از آن، در اصفهان تظاهرات علیه آیت الله منتظری برگزار شده و کسانی که برای شرکت در این تظاهرات به اصفهان آورده شده بودند، علیه وزرای ارشاد، کشور، شخص خاتمی و آیت الله طاهری شعار داده بودند. آیت الله طاهری نماز جمعه اصفهان را در اعتراض به این تظاهرات برگزار نکرد و یکی از روحانیون وابسته به حجتیه و مؤتلفه اسلامی به جای وی نماز را خواند. به نوشته روزنامه سلام، در نماز جمعه اول خرداد، که آیت الله طاهری آنرا برگزار کرد، از جمله شعارهای مردمی که به نماز رفته بودند، این ها بود: «انجمن حجتیه ننگ به نیرنگ تو، مرگ بر حجتیه»، «ارتش ۲۰ میلیونی - آرای ۲۰ میلیونی»

به نوشته روزنامه سلام، علی اکبر ناطق نوری، پس از انجام تظاهرات سازمان داده شده علیه آیت الله منتظری در اصفهان، طی نطقی در مجلس اسلامی، که در جایگاه تماشای آن عده ای از مأموران وزارت اطلاعات و امنیت نشسته بودند، از سربازان امام زمان بخاطر تظاهرات اصفهان تشکر کرد. در محافل سیاسی تهران، این نطق ناطق نوری، یکی دیگر از اظهارنظرها و نطق های نسجیده او تفسیر شده است، که طی آن عملاً به این واقعت که وزارت اطلاعات و امنیت تظاهرات اصفهان را سازمان داده بود اعتراف شده است.

* حجت الاسلام محتشمی سفیر پیشین جمهوری اسلامی در سوریه، وزیر کشور در زمان حیات آیت الله خمینی و عضو رهبری مجمع روحانیون مبارز، طی سخنانی در سمینار بررسی روند اشغال فلسطین که در دانشگاه اقبال لاهوری اصفهان برگزار شد، گفت: «... ما نمی توانیم ببینیم که نیروهای انقلابی به وسیله عناصری که حضور در انقلاب نداشته و دلشان برای انقلاب نمی تپد، ضایع شوند و از بین بروند. برای انسان دردناک است که عوامل حجتیه چهره تابناک سید مظلوم، طاهری را تخریب کنند... حالا انجمن حجتیه می خواهد برای مردم تصمیم گیری کند. انجمنی که حتی یکی از افرادش یک سبلی از رژیم شاه نخورده است.»

بدنبال انفجار در دادستانی انقلاب و حمله به پادگان سپاه پاسداران، اطلاعیه‌هایی در ایران انتشار یافته است

افشاگری‌های مهم در داخل کشور

در تهران گفته می‌شود:

۱- حسن شایانفر، حسین شریعتمداری، مهدی نصیری و علی محمد مهدوی خرمی، طراحان انفجارها و انتشار اخبار تحریک آمیز در مطبوعات، با هدف فراهم ساختن زمینه یورش به جنبش مردم هستند!

۲- ساختمان مرکزی روزنامه "کیهان" در خیابان فردوسی تهران، یکی از مراکز رهبری چماقداران و مرتبط با انفجار دفتر دادستانی و حمله به پادگان سپاه پاسداران می‌باشد.

در روزهای اخیر، در برخی محافل دانشجویی تهران، مطالب افشاگرانه بسیار مهمی، بصورت اطلاعیه دست به دست می‌شود. در یکی از این اطلاعیه‌های افشاگرانه، برای نخستین بار اخبار و گزارش‌هایی انتشار یافته است، که ما تصور می‌کنیم برای درک عمق توطئه‌های داخلی و خارجی جاری علیه تحولات در ایران، باید آنها را بدقت در نظر داشت.

بخشی از این افشاگری‌ها، مربوط است به انفجار اخیر در دادستانی انقلاب مرکز و حمله به پادگان سپاه پاسداران در تهران، که ضرورت دارد برای خنثی سازی عملیات ماجراجویانه ستاد توطئه علیه جنبش عمومی مردم ایران و دولت محمد خاتمی، و همچنین جلوگیری از سقوط کامل کشور بدست عوامل آشکار و پنهان "حجت"، در وسیع ترین حد ممکن افشاء شود. در همین اطلاعیه‌ها مشخص شده است، که بخشی از ساختمان مرکزی روزنامه "کیهان" در تهران، به ستاد رهبری انفجارها، هدایت اوپاش و فرماندهی گروه‌های مهاجم تبدیل شده و برخی از بازجوها، شکنجه گران و زندانیان سال‌های دهه ۶۰ زندانهای اوین، گورهدشت و کمیته مشترک در آن مستقر شده‌اند.

در یکی دیگر از این اطلاعیه‌ها پرده از صحنه سازی‌ها و زمینه سازی‌هایی برداشته شده، که علیه آزادی‌های محدود کنونی مطبوعات داخل کشور به اجرا گذاشته شده و جریان دارد. از این جمله است نقش نشریه "گزارش روز" در همکاری با "ستاد توطئه" علیه دولت خاتمی، که در هفته‌های اخیر و با انتشار اخبار تحریک آمیز و جعلی در جهت فراهم ساختن یورش به مطبوعات زمینه سازی کرده است. بخشی از وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی و بویژه "علی فلاحیان"، وزیر سابق این وزارتخانه در هدایت نشریه "گزارش روز" برای جنجال آفرینی اخیر نقش داشته است. در همین اطلاعیه‌ها به برخی تحرکات ستاد توطئه، برای ارتباط‌های احتمالی با بخشی از سازمان مجاهدین خلق برخی اشارات توجه برانگیزی شده است. این اشارات، آن زمره‌هایی را تأیید می‌کند، که از مدتی پیش در محافل مترقی افغانی برسرزبانها بوده است!

۱- "حسن شایانفر" که در دهه ۶۰ با نام مستعار "معصومی" در زندان اوین بازجو و شکنجه گر بوده است، اکنون در ساختمان مرکزی روزنامه "کیهان" یک دفتر ویژه دارد. در این دفتر ویژه، با کمک تعدادی از توابع سازمان مجاهدین خلق، نشریه "گزارش" منتشر می‌شود، که یکی از دو ارگسان چماقداران معروف به "انصار حزب الله" به حساب می‌آید. ارگان دیگر این چماقداران "شلمچه" نام دارد.

۲- "حسین شریعتمداری"، نماینده رهبری در روزنامه کیهان نیز، علاوه بر آنکه نقش بازجو و شکنجه گر را در زندان اوین برعهده داشته، مدتی سرپرست ایندولژیک زندان اوین نیز بوده و به همین دلیل با بسیاری از توابع مجاهدین تماس مستمر داشته و دسته‌هایی از آنها را تحت سپرستی و هدایت دارد.

شایانفر از مدتی پیش قصد تماس با برخی نمایندگان مجاهدین خلق در افغانستان را داشت. برسر نحوه این تماس بین او و "سلیمی نین" اختلافاتی بروز کرد. این اختلاف نظر با پیروزی "حسن شایانفر" خاتمه یافت و او برای ادامه این تماس‌ها و نقشه‌ها، در مرکز عملیات خود، در ساختمان مرکزی روزنامه "کیهان" باقی ماند و سلیمی نین، با عنوان "استغفا"، از سر دبیری کیهان هوانی برکنار و از تاسیسات

روزنامه کیهان اخراج شد. همه آنها از ماموران شناخته شده وزارت اطلاعات و امنیت در زمان محمد محمدی ریشه‌ری و علی فلاحیان می‌باشند!

گفته می‌شود، انفجار اخیر در مقر دادستانی انقلاب و حمله به پادگان سپاه پاسداران، که سازمان مجاهدین خلق مسئولیت آن را بلافاصله بر عهده گرفت، با طراحی و دخالت مستقیم "حسن شایانفر" صورت گرفته است!

۳- طراح و سرپرست عملیات تروریستی و ایجاد انفجار در حرم حضرت رضا در مشهد، که چهار سال پیش روی داد، "مهدی نصیری" بود. مهدی نصیری نیز عضو انجمن حجتیه است و در زمان آن انفجارها سردبیر روزنامه کیهان بود. جزئیات این عملیات انفجاری پس از مدتی برملا شد و به همین دلیل فشارهای زیادی در حاکمیت، برای بازداشت "مهدی نصیری" و محاکمه وی شروع شد. از آنجا که شخص رهب، "علی خامنه‌ای"، در برابر اعمال نماینده خود در روزنامه کیهان، مسئولیت مستقیم دارد، این فشارها عمدتاً متوجه او شد. در پایان این فشارها، "مهدی نصیری" تنها از سردبیری روزنامه کیهان کنار گذاشته شده است. او بلافاصله نشریه "صبح" را دایر کرد، که یکی از نشریات بلندگوی غیر مستقیم "حجتیه" است. مهدی نصیری، در سمت سردبیر نشریه "صبح" بارها، بعنوان شاکی از مطبوعات غیر حکومتی و نویسندگان غیر وابسته به حکومت، در دادگاه‌ها حاضر شده و نقش آفرین و طراح حمله به دفتر روزنامه‌ها، آتش زدن کتابفروشی‌ها و اقدام به ترور نویسندگان مستقل بوده است.

۴- "علی محمد مهدوی خرمی"، صاحب امتیاز نشریه "گزارش روز" نیز از جمله سربازجوهای زندان اوین، در دهه ۶۰ بوده است. سردبیر این نشریه، یعنی "محمد آقا زاده" نیز از عوامل اطلاعاتی وزارت اطلاعات و امنیت است، که پیش از راه انداختن نشریه "گزارش روز" در دفتر ویژه "حسن شایانفر"، در ساختمان مرکزی روزنامه "کیهان" کار می‌کرده است.

امتیاز انتشار نشریه "گزارش روز"، در زمان تصدی مصطفی میرسلیم، عضو شناخته شده "حجتیه" و از رهبران متوفه اسلامی، صادر شد. هدف از صدور این امتیاز و اساساً انتشار "گزارش روز"، ایفای نقش تخریبی و فضا سازی برای یورش‌های نویستی به مطبوعات غیر حکومتی بوده است. یکبار در زمان تصدی میرسلیم بر وزارت ارشاد اسلامی، این نشریه با انتشار اخبار و گزارش‌های تحریک آمیز موفق به ایفای این نقش خود شد و با برپا داشتن یک محاکمه صحنه سازی شده، این نشریه باصطلاح توقیف شد و سردبیر و مدیرمسئول آن نیز محکوم! البته هرگز میزان این محکومیت مشخص نشد، زیرا در اصل محکومیتی وجود نداشت!

این توقیف و محکومیت، در عمل دست وزارت ارشاد اسلامی و دادگاه مطبوعات را برای به محاکمه کشیدن مسئولین نشریاتی نظیر "ایران فردا"، "کیان"، "منین"، "جهان اسلام"، "بیان" و چند نشریه دیگر در استان‌های مشهد و گیلان بازگذاشت! از این میان، تنها "ایران فردا" توانست به کار خود ادامه دهد و از چنگال دادگاهی که زمینه ساز تحرک آن، "علی محمد مهدوی خرمی" شده بود، بگریزد، که پس از آن، حملات گروه‌های فشار به دفتر آن سازمان داده شد.

در دوران اخیر، بار دیگر و با همان اهداف امتحان شده و شناخته شده، "علی محمد مهدوی خرمی" با انتشار "گزارش روز" وارد صحنه شد و با انتشار خبر "خروج ارز توسط مقامات حکومتی"، به کمک فرمانده سپاه پاسداران رفت، که خواهان بریدن زبان‌ها و زدن گردن‌ها شده است! بلافاصله پس از این صحنه سازی نشریه "گزارش روز"، دادگاه رسیدگی به پرونده روزنامه "جامعه"، با شکایت فرمانده سپاه پاسداران تشکیل شد و در یک اقدام کم سابقه، حکم لغو امتیاز این روزنامه صادر شد!

علی محمد مهدوی خرمی، خبر جنجالی خود را به نقل از الوطن العربی منتشر کرد، که خود این نشریات در برابر دریافت پول هر نوع خبری را منتشر می‌کنند. بدین ترتیب، خبر "خروج ارز توسط مقامات حکومتی" ابتدا از طریق "ستاد توطئه" و با خرید ستون خبری در این نشریات، در خارج از کشور منتشر شد و سپس با توصیه همین ستاد، این خبر در نشریه "گزارش روز" و با هدف فراهم ساختن زمینه یورش سراسری به مطبوعات، به بهانه نشر اکاذیب و تشویش آذهان عمومی منتشر شد!